



کشورها متفاوت است؟

او در ادامه در پاسخ به این پرسش، عنوان می‌کند که در رویکرد سیستمی برای درک نحوه روی دادن اتفاقات باید به سلسله اتفاقات و عوامل کلیدی ایجادکننده آن موضوع دقت کرد. مولوی معتقد است درباره کاهش ارزش ریال، آنچه در ایران در باب آن مغالطه روی می‌دهد دلیل اصلی تورم است و این تورم است که اقتصاد ایران را به سمتی می‌برد که ریال شاهد نزول ممتد در دهه‌های مختلف بدون استثنا بوده است.

او توضیح می‌دهد که اگر شما در تمام این دوره‌ها شاهد هر توجیهی به غیر از این مورد هستید، بدانید که مغالطه‌ای بیش نیست مثلاً تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی



و فیکس کردن آن با ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و هر آنچه که با عنوان ارزهای ترجیحی در اقتصاد ایران خلق می‌شود نه ریشه در ندانستن موضوع ساده تورم و تأثیر آن بر دلار، بلکه ریشه در یک اقتصاد ذی‌نفعان دارد. حتماً شما هم شاهد بودید که وقتی دلار ریزش می‌کند ناگهان برخی اقتصاددانان شروع به تمجید از آن و اهمیت آن بر رشد صادرات دارند و صادرکنندگان هر نوع عدم قدرت رقابت را با کاهش ارزش پول ملی جبران می‌کنند و البته شما در دولت‌ها شاهد رکوردهای افزایش صادرات هستید و برعکس ناگهان با ارز ترجیحی واردکنندگان برایشان این امر جذاب می‌شود و البته کسی هم که کاری در واردات نداشت به سبب جذابیت فاصله بین ارز فیکس شده با نرخ بازار آزاد جذب واردات می‌شود و رقابتی در می‌گیرد بین تمام اقشار جامعه برای دریافت ارز ترجیحی که زمانی ۷ تومانی بوده و روزی ۴۲۰۰ تومانی و بعدها نام دیگری خواهد گرفت.

مبارزه ابدی با تورم

مولوی در بخش دیگری از کتاب با عنوان «مبارزه ابدی با تورم» به ذی‌نفعان اقتصادی ایران که از تورم سود می‌برند اشاره کرده و ماندگاری تورم را خواست آنها می‌داند و درباره دلیل آن به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که مگر آنها نمی‌بینند که تورم چگونه بنیان‌های اقتصاد را نابود می‌کند؟ چگونه فشار شدید اقتصادی اخلاق را تباه می‌کند؟ او در پاسخ می‌نویسد: «چرا می‌دانند و می‌بینند اما در نوع بازی که در جریان است کسی کاری به این موضوعات ندارد و آنچه اهمیت دارد تنازع بقا و ماندن هر چه قیمتی است و در اقتصادی با رتبه آزادی اقتصادی ۱۵۹ شما حتماً در چنین شرایطی قدم خواهید گذاشت.»

او ادامه می‌دهد: «نمی‌خواهم نیش قبر کنم اما به دهه ۹۰ باز می‌گردیم؛ دقیقاً زمانی که تحریم‌ها هم شروع شده است و ما می‌خواهیم میزان رشد اقتصاد ایران را در یک دهه نظاره کنیم. بنا به گزارش مرکز آمار ایران رشد اقتصادی ایران در دهه ۹۰ یعنی از ابتدای ۱۳۹۰ تا انتهای ۱۳۹۹ معادل صفر بوده است! بله تعجب نکنید، صفر تازه من ارزش دلاری تولید ناخالص داخلی را به این معادله اضافه نکرده‌ام چون اوضاع و احوالات بسیار وخیم‌تر و افتضاح‌تر می‌شد. آمارهای اقتصاد کلان در دهه

است که همه دارایی‌های خود را تبدیل به دلار کنند و روند خروج سرمایه از کشور اتفاق می‌افتد، این نیز مغالطه‌ای است که تحت عنوان دلارزدایی صورت می‌گیرد که البته به افسانه شبیه است.

۴ در مورد کسری بودجه و یارانه‌های پنهان نیز در این کتاب صحبت کردید. در این زمینه چه مغالطه‌هایی رخ داده است؟

در این قسمت کتاب، طعنه‌ای به دوستانی زدم که می‌گویند همه مشکلات از بودجه است و هیچ مشکل دیگری تحت عنوان آزادی اقتصاد و تحریم و مشکلاتی که بر روی اقتصاد ایران تلنبار شده، وجود ندارد و فقط به بودجه و کسری بودجه توجه دارند. به عقیده من دوستانی که فقط کسری بودجه در ایران را ملاک وضع امروز ما می‌دانند نیز جزو افرادی هستند که مغالطه می‌کنند، در حالی که مشکل اقتصادی ایران به نظر من تنها کسری بودجه نیست و علت این کسری این است که در کشور ما اقتصاد اولویت نیست و اصلاً هزینه‌هایی که در کشور می‌شود مشخص نیست و چیزی به‌عنوان رشد اقتصادی در ایران اهمیت ندارد. اگر اقتصاد اولویت بود من و شما نباید تحریم می‌بودیم و روابطمان با همه کشورها خوب بود و اقتصاد ایران تحت مونوپل چین نبود و من و شما به احتمال خیلی زیاد در شرایطی قرار گرفته‌ایم که یک‌جانبه بازار اقتصاد ایران را در اختیار گروه‌های ذی‌نفع دیگری قرار داده‌ایم و اصل قضیه در همین جاست نه در کسری بودجه که در همه کشورهای دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد. اگر کسری بودجه در مسیر رشد اقتصادی اتفاق بیفتد حداقل می‌توان گفت زیرساخت‌هایی در حال آماده شدن است. کسری بودجه به ذات عامل و علت نیست بلکه معلول اولویت نبودن اقتصاد است. جالب آنکه عده‌ای نیز هستند که راهکار می‌دهند که چگونه کسری بودجه را جبران کنیم که کار را به آنجا رسانده که بحث مالیات بر عایدی سرمایه را مطرح می‌کنند.

یک کشور در جهان پیدا کنید که با تورم ۴۰ ساله و نرخ توان حقیقی منفی روبه‌رو باشد و مالیات بر عایدی سرمایه هم بگیرد؟ چگونه می‌شود دولتی از دارایی‌ای که با تورم رشد می‌کند و عامل تورم نیز مشخص است،

۹۰ حاکی از آن است که در این دهه یکی از ضعیف‌ترین عملکردهای اقتصادی ثبت شده است. «مولوی در ادامه این موضوع را توضیح می‌دهد که ذی‌نفعان عاشق تورم در ایران هستند چراکه بقای تورم یعنی بقای شرکت‌ها، افراد و مؤسساتی که در حالت عادی قدرت رقابت ندارند اما با دسترسی به شبکه بانکی می‌توانند ساختارهای سرمایه خود را بدهی محور کنند و در بخش دارایی‌ها تورم به آنها قدرت مانور بسیاری را می‌دهد. پیمان مولوی در فصل دیگری از کتاب به منافع ذی‌نفعان در دوران تحریم‌ها می‌پردازد و این مسئله را مطرح می‌کند که وقتی کشوری تحریم می‌شود و درآمدهای ارزی آن محدودتر؛ نخستین فکری که برخی ذی‌نفعان می‌کنند بهره‌برداری از این فضا برای رشد خود است. این امر در اقتصاد ایران بعد از خروج آمریکا از برجام بسیار آشکارا دیده می‌شود. ناگهان مقاله‌ها و مطالب بسیاری در باب حفظ ارز کشور منتشر و پس از آن واردات خودرو محدود و ممنوع می‌شود و سپس آن واردات لوازم خانگی و بعد از آن هر چیزی که در ایران تولید می‌شود وارداتش ممنوع می‌گردد.

نویسنده کتاب این چرخه ایجاد انحصار به نام حفظ ارز را مغالطه می‌داند و صنعت خودرو و لوازم خانگی را مثال می‌زند که بسیاری از قطعات آن از چین وارد می‌شود و در ایران سرهم می‌گردد و به چند برابر قیمت به مصرف‌کننده ایرانی ارائه می‌شود. او، تحریم را برای این نوع تولیدکنندگان که ذی‌نفع محسوب می‌شوند نعمتی بس بزرگ می‌داند چراکه بدون تحریم امکان رقابت با کالاهای مشابه را نداشتند و در اینجانبان بازنده اصلی مصرف‌کننده نگویند بخت ایرانی است و این چرخه ایجاد انحصار تا آنجا پیش می‌رود که فقط ادعایی برای تولید کالایی در داخل می‌تواند واردات کالای مشابه را ممنوع کند و شرکت‌های بسیاری را دچار مشکل نماید. پیمان مولوی نتیجه می‌گیرد که این روند سبب تحمیل هزینه بسیار به مصرف‌کننده شده و واردکنندگان ریشه‌دار را از گردونه رقابت خارج می‌کند و در نهایت باعث ورود گروه‌هایی ذی‌نفع به اقتصاد می‌شود که فقط در این شرایط امکان زیست دارند.

«یارانه پنهان و داستان‌های جعلی»، «نمی‌توان همه چیز را در داخل تولید کرد»، «تحریم نعمت است؛ تحریم‌ها نعمت نیستند» و «ایران بهشت سرمایه‌گذاران است» از دیگر فصل‌های این کتاب است که به‌تازگی توسط «انتشارات گپ» منتشر شده است.

به عقیده من دوستانی که فقط کسری بودجه در ایران را ملاک وضع امروز ما می‌دانند نیز جزو افرادی هستند که مغالطه می‌کنند

مالیات بر عایدی سرمایه بگیرد و اسم آن را تلاش برای آبادانی و رفاه و ایجاد زیرساخت بگذارد. ۴ در قسمتی از کتاب از تحریم‌ها و نعمت نبودن گفته‌اید. به چه نکاتی در این زمینه پرداخته‌اید؟

باز باید به رتبه آزادی اقتصادی ارجاع دهیم. در زمان جنگ ایران و عراق که اقتصاد ایران کوپنی بود، رتبه آزادی اقتصادی ایران ۹۰ بود؛ یعنی ایران جزو نیمه اول این جدول بود. دقیقاً در سال ۲۰۱۰، یعنی دو سال بعد از اینکه تحریم‌ها در اقتصاد ایران شروع می‌شود، رتبه آزادی اقتصاد ایران به ۱۳۸ می‌رسد و امروز به ۱۶۰ رسیده‌ایم. بزرگترین فلاکتی که این تحریم‌ها برای اقتصاد ایران به بار آورده، بحث سقوط آزاد این رتبه و از آن بدتر، سقوط رتبه آزادی تجارت بین‌المللی ایران است که اکنون ۱۶۴ از ۱۶۵ است و بعد از ما، سوریه قرار دارد. ما جزو بیست‌ترین اقتصادها در حوزه واردات هستیم و تقریباً همه چیز از پوشاک گرفته تا لوازم خانگی و خودرو و حتی خدمات با محدودیت وارد کشور می‌شود و ما را شبیه یک گلخانه با ورودی محدود کرده است. بله، از دید اقتصاد ذی‌نفعان تحریم‌ها نعمت است، برای ذی‌نفعانی نعمت است که شعار تولید ملی می‌دهند، با پول مردم وام می‌گیرند، کالای آنها با تورم رشد می‌کند و من و شما باید بهره‌ور و آنها را پرداخت کنیم و در آخر هم به‌عنوان کارآفرین نمونه انتخاب می‌شویم. تحریم خوب است برای کسب و کارهایی که قدرت رقابت نداشتند اما اکنون انحصار ایجاد کرده‌اند و بازار مجبور است به آنها رو بیاورد و با قیمت بالاتر و کیفیت پای‌تر محصولات آنها را تحت عنوان تولید ملی بخرد. اما برای عموم مردم تحریم‌ها باعث شده تا رفاه و قدرت و آزادی حق انتخاب آنها در بازار به شدت پایین بیاید و در نهایت به جزیره دورافتاده‌ای در حوزه خدمات و کالا تبدیل شده‌ایم. تحریم نعمت است برای ذی‌نفعان نه برای عموم مردم و این نیز مغالطه عموم مردم است که من و شما در جنگ ذی‌نفعان با آن درگیر بوده‌ایم.



رویداد



اعتراض به بودجه تلفیق

نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق بودجه ناترازسازی گسترده را در لایحه بودجه ۱۴۰۳ انجام داده‌اند. به گزارش فارس، داود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه در صفحه مجازی خود از انتقاد و اعتراض سازمان برنامه و بودجه نسبت به ناترازسازی گسترده بودجه ۱۴۰۳ توسط نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق بودجه خبرداد. در اطلاعیه سازمان برنامه و بودجه آمده است، نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق بودجه در روز گذشته احکام الحاقی متعددی را که بار مالی آن‌ها تأمین و پیش‌بینی نشده است، به‌رغم مخالفت نمایندگان دولت به تصویب رساندند. با توجه به پوشش خبری گسترده این مصوبات و ایجاد انتظارات احتمالی در برخی هم‌وطنان عزیز، لازم به تأکید است که این مصوبات در مرحله تصویب نهایی در صحن مجلس و یا در مرحله تأیید توسط شورای نگهبان ممکن است با چالش مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی مواجه شده و از تصویب نهایی بازماند.



استمرار فعالیت بازار اوراق شمش طلا

بورس کالا در اطلاعیه‌ای تأکید کرد، معاملات بازارهای اوراق بهادار مبتنی بر طلا صرفاً در قالب قوانین و مقررات بازار سرمایه اجرایی می‌شود. به گزارش مهر، بورس کالای ایران برای رفع ابهامات و رفع شایعات پیرامون ایجاد اختلال در فرآیندهای بازار سرمایه که بعد از ابلاغ بخشنامه بانک مرکزی مطرح شده است، در اطلاعیه‌ای توضیح داد: به استناد بند (ج) ماده ۲۶ قانون احکام دائمی معاملات بازارهای اوراق بهادار مبتنی بر طلا صرفاً در قالب مقررات و قوانین بازار سرمایه اجرایی می‌شود. قطع نظر از این حکم صریح قانونی جهت اطمینان از عدم مخالفت سیاست‌گذار پولی، موافقت بانک مرکزی پس از تغییرات مدیریتی سال گذشته طی نامه‌ای اخذ شده است و بازار اوراق بهادار شمش طلا با تأیید و حضور معاون اول محترم رئیس‌جمهور وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی و رئیس محترم کمیسیون اقتصادی مجلس در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۱ راه‌اندازی شد.



سه‌میه آرد کم شد

نانی‌نو، سامانه فروش هوشمند نان، سه‌میه آرد برخی نانوایان را به‌شدت کاهش داد که این امر منجر به اعتراض برخی نانوایان شده است که پاسخگوی نیاز روزانه آنها نیست. محمدجواد کریمی، نایب‌رئیس اتحادیه نانوایان سمنانی در گفت‌وگو با تسنیم اظهار داشت: سه‌میه نانوایان در ماه جاری در مقایسه با ماه‌های گذشته کاهش یافته که این امر اعتراض برخی نانوایان را به اتحادیه به همراه داشته است. او افزود: شرکت نانی‌نو (شرکت ارائه‌دهنده دستگاه‌های هوشمند نانوایی) اعلام می‌کند: «محدودیتی برای فروش نان به مردم نداریم»، اما این شرکت برای نانوایان محدودیت فروش نان گذاشته است، به‌طوری‌که اگر یک نانوایی برای فروش هر کیسه آرد تعداد کارت بانکی کمتری در دستگاه نانی‌نو کشیده باشد سه‌میه آرد نانوایان را کاهش می‌دهد. نایب‌رئیس اتحادیه نانوایان سمنانی ادامه داد: امروز تعداد زیادی از نانوایان به این موضوع معترض بودند اما از آنجا که متولی این امر مشخص نیست ما حتی نمی‌دانیم که چه دستگاہی باید در این خصوص پاسخگو باشد.